

نقدی بر اعلامیه سازمان عقاب

امیر فیض- حقوقدان

یکی از ایرانیان که از سنگری های قدیمی است ضمن احوال پرسی از ارادتمند مطلبی را عنوان کرد که تحریر حاضر را لازم ساخت. مختصر اشاره ایشان که معنی دار بود این بود که بنده نسبت به جنبش سبز ویا کنگره ایرانیان و باسازمان مشروطه خواهان تحلیلهائی ارائه داده ام ولی نسبت به سازمان «سیاسی ونظامی عقاب» تحریر خاصی نداشته ام این امساک را چه توجیهی است؟ اگر مخالفت را شرط بگیریم این شرط درست نیست زیرا عامل مخالفت شما در جنبش سبز هم بوده است.....

در مجلس موسسان سال ۱۳۰۴ که برای انتقال سلطنت به سردار سپه تشکیل گردید سلیمان میرزا رهبر حزب دمکرات ایران گفت <گرچه طرفدار رضاخان است، چون میدانم که وحدت وامنیت کشور را تامین میکند ولی معتقدات سیاسی من اجازه نمیدهد که به برقراری سلطنت رای بدهم.>

بنده هم بنا بر اعتقاد راسخ سیاسی که به حقانیت تداوم سلطنت وقانون اساسی مشروطیت ومشروعیت آن دارم نمیتوانم با فعالیت های گروه های سیاسی که خارج از چارچوب تداوم اجرائی قانون اساسی ومشروعیت سلطنت فعالیت میکنند موافق باشم ولی با هرفعالیتی که بتواند ضربه ای به حکومت غاصب بزند وباصطلاح مونی از این خرس وقیح و خوش کرده درسرمین انسان هابکند موافقم مشروط بردوش شرط:

شرط اول _ واکنش

شرط اول اینکه ضربه زدن به رژیم غاصب بی برنامه، بدون پشتیبانی های معمول وبدون رهبری نباشد که مانند عکس العمل رژیم نسبت به تظاهرات جنبش سبز تظاهرات رابه وضعیتی غیرقابل تصور درآورد. تظاهرات بی برنامه وبدون رهبری وفاقد پشتیبانی ضربه زدن به رژیم غاصب نیست بلکه تیشه زدن به ریشه مبارزه واعتماد عمومی است که متضمن حیات مبارزه است.

شرط دوم ایرانی بودن مبارزه

شرط دوم که نهایت برای توده ایرانیان حساس است پاک بودن مبارزه علیه رژیم از آمریت ورهبری، دخالت وسرمایه گذاری بیگانه است که غیر آن مبارزه سیاسی نیست نوکری، جاسوسی، خدمت به بیگانه ووطن فروشی است ونفرت حاصل از آن نه تنها مبارزه علیه رژیم رامتوقف میکند بطور حتم باعث استحکام رژیم غاصب وتوجه کینه ودشمنی ونفرت نسبت به مبارزین میگردد ومبارزه از شرافت ملی محروم میگردد.

شرط اول در قضیه عقاب

نگرانی از حضور شرط اول در مبارزه سازمان سیاسی ونظامی عقاب بسیار آزار دهنده است خاصه به اینکه ساختار فکری وروحي آقای روحانی طوری است که در اوج منیت واققدارواهی و خود بزرگ بینی افتاده است وتوجه دادن به این اشخاص تلاش بیهود و بی ثمر است دریکی از مصاحبه هایشان میگویند:

حمن جواب ۱۲۰ هزار سوال رادارم< حتی انیشتن وسقراط هم چنین ادعائی نکرده وهیچکس دردنیا نخواهد کرد مگر کسی که یا نداند سوال وجواب ومسئولیت های حاصل از آن چیست ویا عدد ۱۲۰ هزار رانداند ویابه بیماری خود بزرگ بینی ویکه تازی محض مبتلا باشد آخرچطور ممکن است ۱۲۰ هزار سوالی راکه نمیداد چیست جواب انرا بدهد؟

بنده باسوابقی که به ملاحظاتی در سالهای نخست مبارزه با ایشان داشتم هنگامیکه نام سازمان عقاب را سازمان سیاسی نظامی معرفی کردند و پیامورد دیگری را اعلام نمودند به ایشان مسائلی را از باب تجربه یاد اور شدیم پاسخ ایشان، نه مربوط بود و نه معقول. چنین بود «راوی سنی بوده است»

یادم هست به ایشان نامه ای نوشتم و از نجا که آن نوشته به اعلامات جدید ایشان دعوت به تظاهرات اول مهرماه امسال کاملاً ارتباط پیدا میکند اشاره به آن میتواند جواز این تحریر باشد:

سازمان سیاسی و نظامی، یعنی سازمانی که خواسته های سیاسی اش را با قدرت نظامی تحقق می بخشد. اسم و عناوینی که سازمان ها و شخصیت های حقوقی برای خودشان انتخاب میکنند کاشف از کیفیت فعالیت و هدف و نوع رسیدن به هدف است از باب مثال سازمانیکه نامش سازمان دموکراسی برای ایران است به معنای آن است که سازمان از طریق مبارزه پارلمانی تلاش میکند که دموکراسی در ایران برقرار شود.

اگر می بینیم که کلیه سازمان های سیاسی از واژه نظامی استفاده نمیکنند نه برای این است که آنها از سنگینی این واژه مطلع نیستند بلکه از واکنش جهانی آن و گزگی که بدست جمهوری اسلامی میدهند و همه دارند این و همه رامیتوان در تدبیر مجاهدین خلق نگاه کرد که فعالیت های نظامی خود را با ظاهر از فعالیت های سیاسی جدا ساختند.

وقتی سازمان عقاب از عنوان سیاسی نظامی استفاده کرد در واقع به رژیم غاصب ایران اعلان جنگ داده است و این گزگی است که بدست جمهوری اسلامی میدهد که در مقابل تظاهرات هر قدر آرام و متین باشد به قوه نظامی متوسل شود و این گزگی که سازمان عقاب میدهد دنیاراهم از حمایت خود محروم میسازد زیرا هر حکومتی حق دارد فعالیت های نظامی و حتی سیاسی نظامی علیه خودش را به اعتبار حکم قانون اساسی سرکوب نماید یکی از سبزی های مقیم خارج اخیراً گفته است اگر رژیم علیه تظاهرات جنبش سبز شدت عمل نشان داد بخاطر تند روی های اپوزیسیون بود- یعنی اپوزیسیون به رژیم آماده سرکوب تظاهرات، گزک داد.

مفهوم واقعی و سیاسی سازمان سیاسی و نقاب این است که این سازمان میخواهد با کودتای نظامی رژیم راساقت و کشور را به سیاستمداران و اگذار کند هر سازمانی که چنین قصد و برنامه ای هم داشته باشد در بیان آن امساک فراوان میکند تاچه رسد که چنین عنوان خطرناکی راهم برگزیند.

درست است که در اعلامیه های عقاب خواسته شده که تظاهرات آرام باشد و اضافه هم شده که بدون پدافند خواهد بود ولی این درخواست شیوه فریب تلقی میشود زیرا مبارزه بدون خشونت و آرام شرانطی دارد که در چارچوب یک سازمان سیاسی است نه سازمانی که هم بال سیاسی دارد و هم بال نظامی سوال این است که در این دعوت تظاهرات بال نظامی سازمان عقاب چکاره است؟ آیا شما در هیچ دعوت به تظاهراتی دیده اید که وجود و یا عدم وجود پدافند را مطرح کنند؟ بنده که ندیده ام وقتی سازمانی سیاسی و نظامی شد نمیتواند پدافند نظامی نداشته باشد که از تظاهرات و بال سیاسی سازمان دفاع کند. این میشود کجدار و مریز. معلوم است که سازمان نظامی کارش پدافند است و در یک دعوت به تظاهرات، بال نظامی سازمان در کنار بال سیاسی عمل میکند. یا میتیوان گفت که در روز تظاهرات اول مهر بال نظامی سازمان به مرخصی رفته است؟ آیا این قابل قبول است؟ این کار و برنامه سازمان عقاب یک کار نمایشی است که دست رژیم را در اتخاذ تدابیر خشونتی باز تر نماید برداشت سیاسی و مبارزاتی از دعوت مزبور و ذکر بدون پدافند بودن تظاهرات این است که اگر تظاهرات با قدرت نمائی مردمی خواست سازمان عقاب را متحقق ساخت و با واکنش جمهوری اسلامی مواجه نشد از پدافند هم استفاده نخواهد شد ولی اگر تظاهرات باموانعی از جمله مقاومت حکومت مواجه شد نیروهای نظامی پدافند وارد عمل میشوند (درست تاکتیکی که حزب توده و خانه صلح عمل میکردند) آیا سازمان عقاب واجد چنین قدرتی هست؟ البته تکیه کلام آقای روحانی به اینکه «همه چیز رامیدانم» میتواند پاسخ سوال باشد.

کسیکه خنجر بی کمرش میبندد معنایش این است که در داخل جلد خنجر تیغه است و وقت لازم هم مصرف میشود این است که وظیفه پلیس در برخورد با او متفاوت است با شخصی که تظاهر به مسلح بودن نمیکند.

نگرانی در این است، شخصی که مدعی میشود همه چیز رامیداند، نمیداند که باین بی گذاربه آب زدن ها و پیشاپیش گزک ودلیل به رژیم غاصب دادن چه امکانات اصولی رابرای رژیم درسروکوب مردم فراهم میسازد

۲- همانطور که مستحضرید شکست وبدنامی جنبش سبز بدون هیچ دلیل ومدرکی به حساب سلطنت طلبان گذاشته شد واین سیاست نابکارانه رارژیم اسلامی بدان جهت پرورش داد وهرکجا که نام جنبش سبز بود نام مجاهدین وبهائیان وسلطنت طلبان راهم ردیف کرد تاشکست جنبش سبز رابپای مخالفان رژیم وبیشتر سلطنت طلبان بگذارد تادراینده توده مردم به مبارزه آنها بی اعتناء وبی اعتبارگردند وبه صیغه <مارگزیده ازریسمان سیاه وسفید میترسد> دعوت سلطنت طلبان راهم به فال دعوت جنبش سبز وشکست مفتضحانه آنها بگذارند.

حال که آقای روحانی که با عنوان <تیمسار سرلشگر هوانی> مردم رادعوت به مبارزه وتظاهرات میکند شکست این دعوت ویا سرکوبی تظاهرات هرقدرهم مسالمت آمیزباشد به حساب سلطنت وسلطنت طلبان گذاشته میشود زیرا یک سرلشگر هوانی ارتش شاهنشاهی که لباس نظامی هم برتن دارد وبرهمه چیز هم آگاه است رهبری این مبارزه ودعوت رابرعهد دارد واین ضربه ای است بنیادی که به مبارزه سلطنت طلبان وارد میشود واگر تلفات انسانی هم داشته باشد که آتش نخورده ودهان سوخته است.

کسیکه به سوگند سربازی اش ووفاداری به قانون اساسی وتداوم سلطنت پایبند نیست چرا زیرنام وفاداری به سلطنت این بلند پروازی های بی مایه وخالی از حقیقت رامرتکب میشود.

چه کسی جوابگوی سرشکستگی وخفتی است که به نام دعوت یک سازمان سیاسی ونظامی سلطنتی ویا حداقل طرفدار سلطنت، به مبارزه برحق سلطنت طلبان وارد خواهد شد ؟نکه همه چیز رامیداند آخرین داستان را هم میداند؟

هیچکس نیست فقط منم!

ادعای محکم ایشان به اینکه <هیچ سازمان وتشکیلاتی علیه جمهوری اسلامی نیست الا سازمان سیاسی ونظامی عقاب> ادعا وحرف خردمندانه ای نیست حکما راعقیده براین است که <آنچه رامانمی بینیم ویانمیدانیم دلیل عدم وجود نیست بلکه دلیل عدم بضاعت علمی ماست> برخی افراد هم این گونه ادعاها را حمل بر اوج غلو خودبینی میدانند.

آقای روحانی ادعای خودشان را ضمیمه ادعای دیگری کرده اند که آنها حاصل غلو درخودبینی است میگویند <من از اول در بطن کارها بوده ام وهمه چیز رامیدانم>

درپس پرده نهران بودی وقومی به جهالت حرمت ذات توکس نشناخت که تواصل خدانی

مقصود از هیچکس وهیچ چیز چیست؟

بسیاری از ایرانیان مبارز وقدری هم بنده براین عقیده قائم واستواریم که درمقابل جمهوری اسلامی تشکیلاتی هموزن معنوی وباریشه های مردمی واجد مشروعیت وقبول فرهنگ وسنت ایرانی وجودندارد.

وبانکه زمینه های حقوقی وسنتی وقانونی آن کاملا وجوددارد ولی از قوه بفعل درنیامده است والا سازمان های اسمی مجازی، سطحی، رجزخوان مدعی رهبری نجات ایران بسیار بسیار است حتی با اسامی خیلی دهن پرکن تراز سازمان سیاسی ونظامی عقاب ووعده های بسیارمشابه به وعده های عقاب از اسامی که یاد دارم بنام ارتش سری ایرانیان – ارتش رهانی بخش ایران – ارتش آزاد سازی ایران – پایگاه نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران

اگر آنان نتوانستند کارمثبتی انجام دهند نه به این خاطر بودکه رهبر آنها آقای روحانی نبود بلکه ازاین بابت بود که آن افراد باهمه موقعیتی که داشتند درزمینه باورهای سنتی وفرهنگی ومنش ایرانی قابل تحویل گرفتن نبودند همین سرنوشت متوجه آقای روحانی هم هست زیرا فرهنگ وعادت وباورهای یک ملت کهن رانمیتوان براحتی تغییر داد.

در تاریخ ایران میخوانیم کسانی که از خانواده شاهی نبودند و میخواستند در مقام رهبری مردم قرار گیرند یک علامتی از قبیل انگشتر، شمشیر، شال، سپر و غیره از پادشاهان به خود میاویختند تا مردم به اعتبار آن علائم آنها را تحویل بگیرند

آقای روحانی به اقتباس از این شیوه آشنای مردم از لباس خلبانی و عنوان سر لشکر هوانی ارتش که میشود همان ارتش شاهنشاهی ایران استفاده میکنند البته که این عنوان و علامت وجه تمایز ایشان با جنبش سبز هم میتواند به حساب آید ولی شهودی که به مردم نشان بدهد که استفاده از این علامت و عنوان جنبه سوء استفاده و فریب را ندارد وجود ندارد و برعکس قرآنی وجود دارد که بی صداقتی در استفاده از آن علامت و عنوان را بنمایش میگذارد.

یاددارم در سالهای قبل در پایان نامه ای به ایشان این بیت را بکار بردم،

طی این مرحله بی مهری شاه مکن ظلماتی است بترس از خطر تنهائی